

نقش یکپارچه‌سازی اراضی در بهبود زمینه‌های کارآفرینی کشاورزی در شهرستان خدابنده (مورد: روستاهای حوزه خدمات کشاورزی نورآباد)

جمشید عینالی^۱: استادیار جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشگاه زنجان، زنجان، ایران

چکیده

یکی از چالش‌های بخش کشاورزی- به عنوان مهم‌ترین تأمین کننده اشتغال و درآمد روستایی در کشور ما- تقطیع گسترده و پراکند بودن قطعات اراضی متعلق به هر یک از بهره‌برداران است. بررسی تجارب کشورهای موفق در ساماندهی اراضی کشاورزی نشان می‌دهد که یکی از مهم‌ترین راه‌حل‌های غلبه بر این چالش، یکپارچه‌سازی اراضی است که می‌تواند از طریق بهبود زمینه‌های کارآفرینی در بخش کشاورزی به عنوان محرکی برای ایجاد دگرگونی اقتصادی- اجتماعی در جامعه روستایی عمل کند. هدف این مطالعه بررسی نقش یکپارچه‌سازی توافقی اراضی کشاورزی در محدوده مورد مطالعه در بهبود زمینه‌های کارآفرینی از دیدگاه کشاورزان مشمول طرح‌ها است. به این منظور از ۳۰ طرح اجرا شده با مشارکت ۶۱۰ بهره‌بردار کشاورزی، ۱۳۶ بهره‌بردار با استفاده از فرمول کوکران به عنوان نمونه انتخاب گردید. روش تحقیق از نوع توصیفی- تحلیلی بوده و برای گردآوری داده‌های مورد نیاز از پرسشنامه استفاده شده است. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها، از آزمون‌های ویلکاکسون، جدول توافقی و χ^2 دو نمونه‌ای بهره گرفته شده است. نتایج این پژوهش در دو محور ارائه شده است: الف) در بین کشاورزان با اراضی یکپارچه شده، تحلیل قبل و بعد از یکپارچه‌سازی نشان می‌دهد که این پروژه‌ها در ایجاد زمینه برای شکل‌گیری و توسعه کارآفرینی کوچک مقیاس کشاورزی موفق بوده‌اند، ب) مقایسه دیدگاه دو گروه با اراضی یکپارچه و غیر یکپارچه مبین تفاوت معنادار در شاخص‌های کارآفرینی می‌باشد، که این امر بیانگر تأثیر مثبت اقدامات یکپارچه‌سازی اراضی پراکنده بهره‌برداران در یک یا چند نقطه در بهبود زمینه‌های کارآفرینی کشاورزی است.

واژه‌های کلیدی: کارآفرینی کشاورزی، یکپارچه‌سازی اراضی، توسعه روستایی، خدابنده.

^۱ نویسنده مسئول: ainalia@gmail.com، ۰۹۱۲۲۵۹۷۱۷۶

بیان مسأله:

امروزه مناطق روستایی کشورهای در حال توسعه، بویژه در کشور ما از چالش‌های متعددی از قبیل فقر، بیکاری پنهان، تخریب محیط‌زیست، تداوم نابرابری در توزیع فرصت‌ها و منابع میان نواحی شهری و روستایی رنج می‌برند، که بیانگر عدم موفقیت راهبردهای گذشته توسعه روستایی برای ارایه راه‌حل موفقیت‌آمیزی برای برطرف ساختن آنها می‌باشد (رضوانی، ۱۳۹۰: ۸۵-۸۴). از طرفی دیگر، این راهبردها در توزیع منافع حاصل از رشد و توسعه نیز موفق نبوده و منجر به بروز و تشدید چالش‌های مذکور شده است (Azimi, 2013: 1986). از این‌رو، برای غلبه بر مسائل اقتصادی- اجتماعی پیش روی جوامع روستایی در چند دهه اخیر رویکرد کارآفرینی به عنوان یکی از راهبردهای مهم توسعه روستایی مورد توجه برنامه‌ریزان قرار گرفته است (Chowdhury, 2007: 240). به طوری‌که، از دیدگاه اغلب صاحب‌نظران، این راهبرد به عنوان موتور رشد و توسعه اقتصادی روستایی معرفی شده و عامل مؤثری در متحول‌سازی و پویایی اقتصاد محلی به شمار می‌آید (Gürol & et al, 2008: 25-38). با توجه به اهمیت کارآفرینی در توسعه اقتصادی- اجتماعی روستایی، بایستی زیرساخت‌های مناسب برای کارآفرینی فردی و جمعی که ناشی از آرمان‌ها و ارزش‌های جامعه از یک‌سو و شرایط محیط درونی و بیرونی از سوی دیگر است، فراهم شود (سپه‌پناه، ۱۳۹۱: ۶). از این‌رو، به عقیده ورتمن توسعه اقتصاد روستایی و کارآفرینی با یکدیگر ارتباط تنگاتنگی دارند (Costa & et al, 2011:3). به نحوی‌که، کارآفرینی در فعالیتهای کوچک و متوسط مقیاس در فرآیند توسعه روستایی با ایجاد تغییرات ساختاری و غلبه بر چالش‌های موجود به ویژه در زمینه اقتصاد می‌تواند زمینه را برای حفظ جمعیت و رونق بخشیدن به رشد روستایی فراهم سازد (Islam, 2009: 1-2). در این راستا، یکی از مهم‌ترین چالش‌های مرتبط با کارآفرینی کشاورزی در مناطق روستایی کشور عدم توان این بخش در نگهداشت جمعیت جوان و فعال بدلیل مشکلات و محدودیت‌هایی از قبیل پراکندگی فضایی و خردشدن اراضی کشاورزی است که به غیر اقتصادی بودن بهره‌برداری‌ها، فقدان سرمایه‌گذاری کافی، پایین بودن بهره‌وری عوامل تولید و ... می‌انجامد. که این امر زمینه را برای سنتی ماندن فرآیند تولید و عدم توجه به فرهنگ کارآفرینی و خلاقیت در بین بهره‌برداران کوچک فراهم می‌سازد. از این‌رو، از دیدگاه اغلب محققان، یکپارچه‌سازی اراضی را به عنوان یکی از مهم‌ترین راه‌حل‌های منطقی و قابل اجرا برای تقویت و بهبود فعالیتهای کارآفرینی کشاورزی معرفی می‌کنند (سهرابی وفا، ۱۳۹۲: ۵۶ به نقل از: FAO, 2008: 2-5).

منطقه مورد مطالعه این تحقیق، بخش‌های شرقی دهستان خرابود در حوزه آبریز رودخانه خرابود (شهرستان خدابنده- استان زنجان) می‌باشد که با تقطیع گسترده اراضی بویژه در بهره‌برداری‌های آبی مواجه است. از این‌رو، در دو دهه اخیر ارایه اعتبارات حفر و راه‌اندازی چاه‌های عمیق و ترویج روش‌های آبیاری تحت فشار به عنوان عامل تسهیل‌گر بیرونی زمینه را برای تشویق بهره‌برداران کوچک برای تجمیع توافقی در قالب گروه‌های خودجوش مهیا کرده است؛ تا بهره‌برداران کوچک از این روش به عنوان ابزاری برای رساندن مساحت زمین‌های خود به استاندارد لازم برای کسب پروانه حفر چاه استفاده کنند. همین امر توانسته زمینه را برای ایجاد تحول در کشاورزی منطقه فراهم سازد. حال این تحقیق می‌کوشد تا نقش یکپارچه‌سازی توافقی بین کشاورزان کوچک را در ایجاد و توسعه کارآفرینی در فعالیتهای کشاورزی مورد بررسی قرار دهد. در همین راستا تحقیق حاضر سعی می‌کند، تا به این سؤال پاسخ دهد که: آیا یکپارچه‌سازی خودجوش اراضی کشاورزی توانسته است زمینه را برای بهبود کارآفرینی کوچک مقیاس کشاورزی فراهم کند؟

پیشینه تحقیق:

در رابطه با نقش و اهمیت یکپارچه‌سازی اراضی کشاورزی در کارآفرینی مطالعات زیادی وجود ندارد و بیشتر تحقیقات به بررسی اثرات، شناخت عوامل مؤثر در اجرای طرح‌های یکپارچه‌سازی و تأثیر آن در افزایش تولید در مناطق مختلف کشور پرداخته‌اند. بنابراین، در جدول شماره ۱ به تعدادی از مطالعات در دسترس اشاره می‌شود:

جدول ۱- تعدادی از مطالعات مرتبط با نقش یکپارچه‌سازی اراضی در کارآفرینی کشاورزی

محقق	عنوان تحقیق	نتایج
سجاسی قیداری (۱۳۸۶)	مطالعه و تحلیل عوامل موثر در توسعه کارآفرینی کشاورزی مناطق روستایی	کارآفرینی روستایی با تأکید بر فعالیت‌های خودجوش به عنوان یک راهکار توانمندسازی کشاورزان توانسته است زمینه‌های توسعه پایدار روستایی (اقتصادی، اجتماعی و زیست محیطی) را فراهم کند.
رکن الدین افتخاری و همکاران (۱۳۸۸)	تحلیل ابعاد و عوامل موثر بر توسعه کارآفرینی کشاورزی مناطق روستایی	توصیف و تحلیل نتایج آزمون‌های آماری و مطالعه کیفی نشان می‌دهد که عوامل اقتصادی نسبت به عوامل اجتماعی و تکنولوژیکی از اهمیت زیادی در کارآفرینی کشاورزی از دیدگاه جامعه نمونه دارا بوده‌اند.
رکن الدین افتخاری و همکاران (۱۳۸۹)	راهبردهای توسعه کارآفرینی کشاورزی در مناطق روستایی. مطالعه موردی: شهرستان خداپنده	نتایج نشان می‌دهد که در صورت توجه به توانمندی‌های کشاورزی و تقویت نوآوری و خلاقیت کارآفرینی در بخش کشاورزی مطالعه می‌توان به چالش‌های توسعه روستایی، بویژه ایجاد اشتغال و درآمد دست یافت.
عینالی و همکاران (۱۳۹۲)	نقش کارآفرینی در توسعه روستایی با تأکید بر یکپارچه‌سازی اراضی کشاورزی.	استفاده از پانل گذشته‌نگر نشان می‌دهد که یکپارچه‌سازی اراضی به بهبود شاخص‌های کارآفرینی در منطقه مورد مطالعه بویژه افزایش بهره‌وری مزارع، درآمدزایی، بازاریابی و اشتغال از دیدگاه پاسخگویان کمک کرده است.
Mohapatra et al, (2007)	افزایش خوداشتغالی در روستاهای چین	نتیجه نشان می‌دهد که توسعه کشاورزی توانایی بالایی در ایجاد خود اشتغالی در مناطق روستایی دارد. به طوری که این میزان در با بعد و اندازه بهره‌برداران ارتباط معناداری دارد.
Huang et al, 2010	یکپارچه‌سازی اراضی، رویکردی برای توسعه پایدار در نواحی روستایی چین	یکپارچه‌سازی اراضی به عنوان ابزاری برای ایجاد اشتغال و درآمد، افزایش توان تولید و در نهایت بهبود وضعیت اقتصادی و ارتقای استانداردهای زندگی کشاورزان کمک می‌کند.
Lemmen et al (2012)	رویکردهای اطلاع‌رسانی درباره یکپارچه‌سازی اراضی به عنوان تسهیلگر کارآفرینی	نتایج مطالعه نشان می‌دهد که اطلاع‌رسانی صحیح در رابطه با فرآیندهای یکپارچه‌سازی اراضی در مناطق روستایی نقش مهمی در سرمایه‌گذاری در تولید و بازار بوده و می‌تواند زمینه‌های کارآفرینی کشاورزی را تقویت کند.

منبع: یافته‌های کتابخانه‌ای تحقیق، ۱۳۹۱.

مبانی نظری:

امروزه کارآفرینی روستایی به عنوان ابزاری کارآمد برای زمینه‌سازی به منظور نیل به توسعه اقتصادی- اجتماعی از طریق ایجاد سرمایه و توزیع متعادل آن در سطح منطقه، ایجاد فرصت‌های اشتغال و درآمد، بهبود استانداردهای زندگی و خوداتکایی ملی نگرینده می‌شود (Saxena, 2012: 25-26). به طوری که این اقدامات در مقیاس کوچک به ایجاد زمینه‌های کارآفرینی مبتنی بر توسعه ظرفیت‌های محلی، تحرک بخشی و ایجاد انگیزه بین بهره‌برداران و در نهایت زمینه‌سازی برای خودباوری از طریق توانمندسازی به عنوان موتور محرک توسعه محلی عمل می‌نماید (Gürol & et al, 2006:25-38). به عبارت دیگر، کارآفرینی در مناطق روستایی ترکیب منحصر به فردی از منابع موجود در داخل و یا خارج از بخش کشاورزی را نشان می‌دهد که تمرکز عمده آن بر روی تأمین زیرساخت‌های سخت‌افزاری و نرم‌افزاری است که می‌تواند به کاهش شکاف توسعه اقتصادی بین نواحی شهری و روستایی (Nandanwar, 2011: 12)؛ تسریع رشد اقتصادی نواحی روستایی از طریق ایجاد زمینه‌های مناسب برای فرصت‌های اشتغالزایی و کاهش شکاف‌های دسترسی به منابع و تلاش برای مرتفع ساختن نیازهای جامعه کمک کند (کاظمی‌راد و همکاران، ۱۳۹۰: ۱۸).

در رویکردهای جدید توسعه روستایی، به کارآفرینی به عنوان عنصری ضروری برای رشد اقتصادی و افزایش بهره‌وری جوامع روستایی نگرینده شده است (Sherief, 2005: 4) که تلاش می‌کند تا با برطرف ساختن موانع موجود در مدیریت عوامل تولید و افزایش سرمایه‌گذاری در آن زمینه را برای تلاش خلاقانه گروه‌های پیشرو به عنوان پایه و اساس توسعه جامعه محلی مهیا سازد (Matondi, 2013: 85) و از طریق تحقق توسعه ظرفیت‌های محلی و توانمندسازی جامعه فرآیند توسعه درونزای روستایی با بهره‌گیری از نقش تسهیلگری عوامل بیرونی را تقویت کند (نجاززاده و همکاران، ۱۳۸۷: ۱۶۱). از دیدگاه

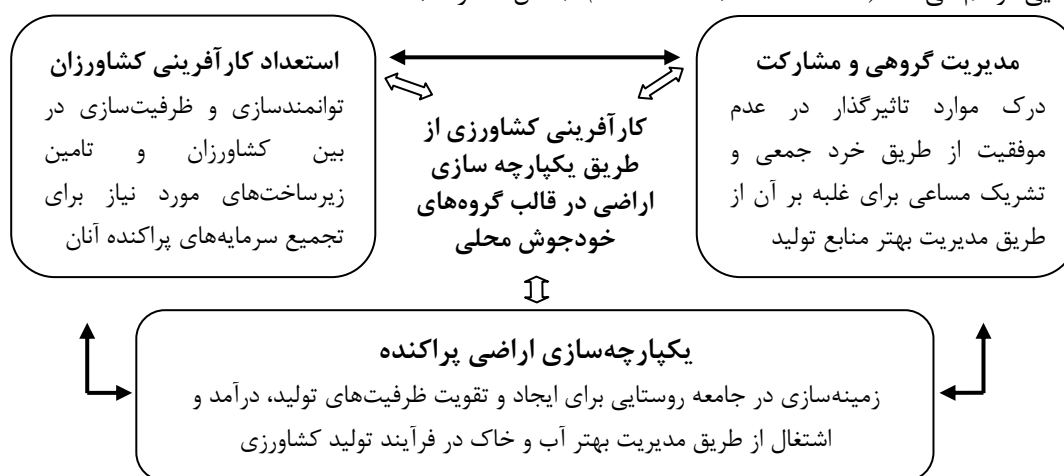
برخی از محققان کارآفرینی روستایی، فرآیند پویای ایجاد ارزش افزوده تعریف می‌شود که توسط افرادی با خصیصه ریسک‌پذیری بالا و پیشرو در کاربرد نوآوری و براساس نفع شخصی حاصل می‌شود (Tariq Khan, 2012: 15). گروهی دیگر از محققان نیز معتقدند که، کارآفرینی روستایی با قوه تفکر خلاقانه، بهره‌گیری سازمان‌یافته از منابع موجود، شناسایی فرصت‌ها و توانایی پذیرش ریسک در ارتباط است. این گروه از صاحب‌نظران معتقدند که شکل‌دهی فعالیت‌های اقتصادی کوچک مقیاس و جدید با سرمایه فردی- گروهی آغاز می‌شود (سعیدی کیا، ۱۳۸۲: ۱۶-۱۷) و به شناسایی فرصت‌های سودآور و کشف نشده در جامعه به عنوان پایه توسعه فعالیت‌های جدید کمک می‌کند (Mohapatra & et al, 2007: 163). در این راستا، کارآفرینی در کشاورزی با ایجاد فرصت‌های جدید و تقویت آن برای کارآفرینان به منظور ارتقاء بخشی به سطح درآمد و اشتغال، افزایش سرمایه‌ها و نظایر آن، به بهبود استاندارد زندگی و ارتقای رفاه اجتماعی- اقتصادی و ایجاد تحول در فعالیت و زندگی روزمره ذی‌نفعان در جوامع روستایی به مثابه راه‌حلی برای مقابله با چالش‌های موجود مدنظر برنامه‌ریزان توسعه روستایی قرار می‌گیرد (Chowdhury, 2007:240; & Saxena, 2012:25).

با توجه به جایگاه و اهمیت فعالیت‌های کشاورزی در اقتصاد محلی و ملی، کشاورزان یکی از مهمترین ایفا کنندگان نقش در اقتصاد کشورهای در حال توسعه به شمار می‌آیند (Poza and Daugherty, 2013:14). این گروه از تولیدکنندگان با چالش‌های ساختاری متعدد اجتماعی- اقتصادی از قبیل حاکمیت شیوه‌های بهره‌برداری سنتی و پراکندگی و خردبودن اراضی مواجه‌اند که منجر به درونگرایی، انعطاف‌ناپذیری و ثبات در برابر تغییرات و در نهایت به کاهش قدرت پذیرش ریسک در بین آنها شده و مانع عمده‌ای برای تحقق کارآفرینی قلمداد می‌شود (Matondi, 2013: 34-35). بنابراین، فعالیت کارآفرینی از طریق تخریب روش‌های ناکارآمد گذشته و موجود و جایگزینی آنها با شیوه‌های کارآمد و نوین به نظام اقتصادی جامعه، پویایی و حیات می‌بخشند و با ارائه محصولات و خدمات جدید می‌تواند جامعه را به سمت توسعه سوق دهد (Kuratko & et al, 2004: 35). به مفهومی دیگر، این اقدامات به عنوان ابزاری برای بهبود بخشیدن به درآمد و اشتغال در مجاورت محل سکونت به خوداتکایی، استقلال درآمدی- شغلی و برطرف ساختن نیازهای اجتماعی بهره‌برداران منجر شود (افتخاری و همکاران، ۱۳۸۸).

تقطیع اراضی کشاورزی به عنوان یکی از مهم‌ترین چالش‌های ساختاری در توسعه و کارآفرینی کشاورزی بویژه در بهره‌برداری‌های سنتی است که با نوع ساختار حاکم بر مدیریت اراضی در سطح ملی مرتبط بوده و با دو مشکل دیرینه کوچکی قطعات بهره‌برداری و نیز پراکنده و خرد بودن زمین هر بهره‌بردار مواجه است (کلانتری و همکاران، ۱۳۸۴: ۶۸). به طوری که این مسئله به کاهش میزان بهره‌وری عوامل تولید، افزایش هزینه‌های نیروی انسانی، اتلاف منابع تولید، غیر کارآوردن مدیریت مزرعه و عدم استفاده مؤثر از فناوری‌های نوین (توسلی، ۱۳۷۸: ۲۲)؛ افزایش تغییرات کاربری و حذف اراضی کوچک از چرخه تولید، کاهش درآمد، افزایش مهاجرت روستایی و بروز بیکاری پنهان (Huang & et al, 2010: 93) به عنوان شاخص‌های توسعه نیافتگی روستایی منجر شده است. برای غلبه بر این چالش اساسی، محققان فرآیند قابل اجرای یکپارچه‌سازی اراضی را پیشنهاد کرده‌اند. سیاست یکپارچه‌سازی اراضی نوعی تجدید تخصیص بهینه عوامل تولید بر پایه آب و خاک از طریق گروه‌بندی مجدد قطعات اراضی یا تجمیع آنها به همراه فرآیند انتقال مالکیت اراضی در راستای بهبود ساختار مالکیت اراضی است و تلاش می‌کند تا زمینه را برای بهره‌وری ساختارهای جدید و استفاده از فناوری‌های مدرن ممکن سازد (de los Ríos & et al, 2011:25). بنابراین، افزایش اندازه قطعات و کاهش تعداد آنها موجه‌ترین دلیل برای سودمندی برنامه‌های یکپارچه‌سازی اراضی بوده (Lemmen & et al, 2012) و با اتخاذ سیاست‌های مناسب به دنبال سازماندهی و مدیریت بهتر اراضی و بهبود مدیریت آب و زهکشی حفاظت منابع خاک و آب، بهسازی مزارع و ساختمان‌های روستایی (Xiang, 2012: 17)، افزایش میزان تولید در واحد سطح، ایجاد زیرساخت‌های ضروری برای توسعه کشاورزی و روستایی، زمینه‌سازی برای ایجاد تحول از طریق مکانیزاسیون، استفاده از روشهای مدرن آبیاری و ... در راستای بهبود بهره‌وری کشاورزی است (Huang & et al, 2010: 94). به گونه‌ای که، یکپارچه‌سازی اراضی کشاورزی در قالب گروه‌های خودجوش با مدیریت بهینه منابع

تولید زمینه مناسبی را برای بروز استعدادهای کارآفرینی کوچک و متوسط مقیاس که نیاز به دسترسی به سرمایه، نیروی کار، بازارهای محلی - منطقه‌ای و مدیریت خوب مهارت‌ها و نظایر آن دارند، فراهم می‌سازد (Nandanwar, 2011: 12).

بنابراین در کارآفرینی کشاورزی، مزرعه به عنوان واحد تولید و سرمایه‌گذاری مطرح است که این در این واحد بهره‌ور به لحاظ اقتصادی کارآفرین کشاورزی با درگیر شدن در مشاغل مرتبط با کشاورزی، بایستی همانند سایر فعالیت‌های اقتصادی با بکارگیری مهارت و استعدادهای فردی و مدیریت بهینه منابع تولید و شناخت ریسک‌ها و فرصت‌ها به ایجاد محیط مساعد کمک شایانی می‌کند (Gayo, 2011: 1-2) که در این فرآیند مدیریت منابع و سرمایه، توسعه زیرساخت‌های حمل و نقل و ارتباطات، کانال‌های روابط بازاری بین شهر و روستا بسیار مؤثر می‌باشد (Sherief, 2005: 6). لذا کارآفرینی کشاورزی، به عنوان فرآیندی پویا با بهره‌گیری از نیرو و انگیزه افراد در جهت خلق و اجرای ایده‌های نو و رایج راه‌حل‌های کاربردی (Makhbul, 2011: 118)، انتقال تکنولوژی و شیوه‌های جدید و به تبع آن تبدیل کشاورزی سنتی به تجاری (Nandanwar, 2011: 12-13) و افزایش و خلق درآمد، ثروت و نیز ایجاد اشتغال زمینه را برای موفقیت توسعه درونزای جوامع روستایی فراهم می‌کند (Stockdale, 2006: 356). (شکل شماره ۱).



شکل ۱- مدل مفهومی کارآفرینی از طریق یکپارچه‌سازی اراضی کشاورزان در قالب گروه‌های خودجوش
منبع یافته‌های تحقیق با استفاده از منابع در دسترس، ۱۳۹۱.

روش تحقیق:

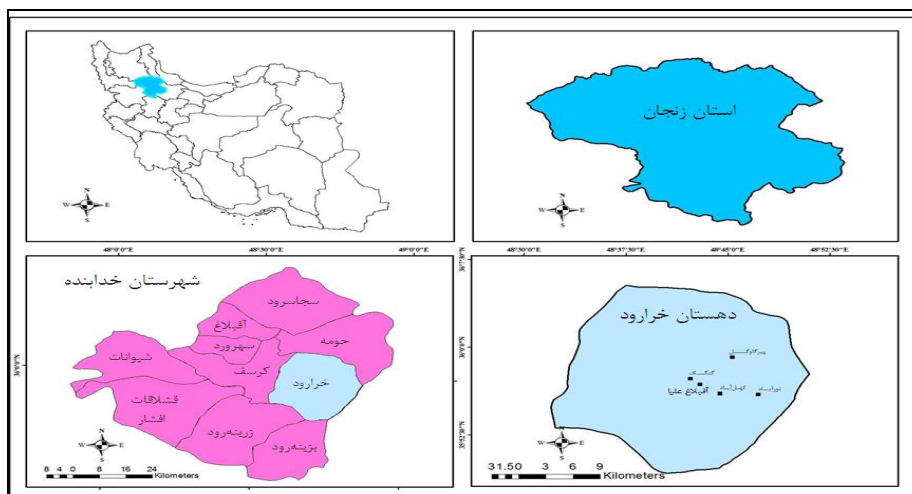
پژوهش حاضر از لحاظ روش تحقیق، توصیفی و تحلیلی و به لحاظ هدف از نوع کاربردی است. به منظور بررسی نقش فرآیند یکپارچه‌سازی توافقی کشاورزان در قالب گروه‌های خودجوش در کارآفرینی کشاورزی کوچک مقیاس از طریق کاهش تعداد قطعات و پراکنش فضایی آنها مورد توجه قرار گرفته است. در محدوده مورد مطالعه، ۳۰ پروژه کشاورزی گروهی با مشارکت ۶۱۰ بهره‌بردار (۱۸ طرح با اراضی یکپارچه شده با همکاری ۹۵ نفر و ۱۲ پروژه بدون اراضی یکپارچه با تعداد ۹۵ نفر) به اجرا درآمده است که به صورت تطبیقی مورد بررسی قرار گرفته‌اند. بنابراین از بین بهره‌برداران مذکور، با استفاده از فرمول کوکران اصلاح شده، تعداد ۱۳۶ بهره‌بردار (۷۶ مورد دارای اراضی یکپارچه و ۶۰ مورد در اراضی غیر یکپارچه) به عنوان نمونه انتخاب شده که این نمونه‌ها در بین ۳۰ پروژه به صورت تصادفی توزیع گردید. لذا بعد از بررسی اسنادی و استخراج مؤلفه‌ها از روش میدانی (ترکیبی از مصاحبه و تکمیل پرسشنامه) برای گردآوری داده‌های مورد نیاز بهره گرفته شده است (جدول شماره ۲). میزان پایایی شاخص‌ها با استفاده از آلفای کرونباخ $0/834$ محاسبه شده است. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از آزمون ویلکاکسون (مقایسه دوره قبل و بعد) و آزمون t مستقل (بررسی تفاوت‌های دو گروه) استفاده شده است.

جدول ۲- مؤلفه های تأثیرپذیر از فرایند یکپارچه سازی و گویه های مرتبط

مؤلفه	گویه ها
اشتغال	استفاده از نیروی کار مزدی، استفاده از نیروی کار خانوادگی، استفاده از نیروی انسانی باسواد و با تجربه، بهبود وضعیت شغلی در زمینه دامداری با تامین نهاده ها از مزرعه، بهبود وضعیت شغلی غیر کشاورزی، اشتغال توام (زراعی و نگهداری دام و ...)، ایجاد اشتغال برای جوانان و ماندگاری آنان در روستا، ایجاد اشتغال در فعالیتهای غیر کشاورزی.
درآمد	میزان تولید در هر هکتار، کیفیت محصول تولید شده، میزان تمایل به پیش فروش محصولات، میزان درآمد حاصل از انجام فعالیتهای کشاورزی، میزان بهره وری ناشی از کاهش تنوع محصولات، میزان زمین سطح زیرکشت سالانه، میزان تمایل به کشت محصولات بازاری یا دارای خرید تضمینی، میزان بازدهی زمین و آب به ازای یک نفر
شناسایی بازار و بازاریابی	آشنایی با بازارهای محلی و منطقه ای خرید و فروش محصولات، تحلیل عرضه و تقاضای محصولات، دسترسی به بازارهای فروش محصولات، شناسایی کانال های فروش محصول، توانایی چانه زنی درباره قیمت محصول، فروش بی واسطه محصولات تولیدی، آگاهی به موقع از قیمت محصولات، آگاهی از نیاز بازار، میزان عمده فروشی محصولات کشاورزی.
اطلاعات و دانش درباره	مراحل مختلف انجام فعالیتهای کشاورزی، برآورد هزینه - فایده فعالیتهای کشاورزی، آماده سازی زمین قبل از انجام کشت، انتخاب نژاد و بذرهای مناسب، استفاده از کودهای عالی و شیمیایی، رعایت اصول تناوب زراعی و کشت جایگزین، مبارزه با آفات و علف های هرز، استفاده از نهاده های جدید کشاورزی.
مکانیزاسیون	استفاده از ماشین آلات و تجهیزات مورد نیاز در کشاورزی، استفاده از سیستم های آبیاری جدید (بارانی و تحت فشار)، میزان استفاده از بذرهای اصلاح شده، استفاده از ماشین آلات و تجهیزات مورد نیاز، حمل و نقل محصول، روش های علمی ارایه شده توسط مروجان، تسطیح و آماده سازی زمین.
سرمایه گذاری و اعتبارات	وجود منابع مالی لازم برای سرمایه گذاری، دسترسی و استفاده از اعتبارات بانکی کشاورزی، استفاده از سرمایه های کوچک خانواده، استفاده از منابع مالی غیر رسمی، تمایل به استفاده از اعتبارات، پذیرش اسناد اراضی در ارایه اعتبارات، سرمایه گذاری در توسعه دامداری، توانایی در تامین به موقع نهاده ها و ماشین آلات، سرمایه گذاری در انتقال آب.
مدیریت منابع تولید	سرمایه گذاری مشترک در منابع تولید، مدیریت منابع آب و خاک، مشارکت در شناسایی منابع کمیاب و حفظ محیط، بهبود وضعیت دسترسی به مزارع و بازار، عضویت در تعاونی ها و مجموعه های کارآفرین، مشارکت در تصمیم گیری های گروهی، همکاری با گروه های کارآفرین و کشاورزان پیشرو روستاهای مجاور، اتلاف آب در مسیر انتقال به مزرعه.
مدیریت ریسک ها	آمادگی برای مواجه شدن با چالش ها و سختی ها، استقبال از ابتکار و پیشگام بودن در گزینش محصولات و روش های جدید کشت، آمادگی و توان مقابله با خطرات غیرمترقبه (سیل، خشکسالی، سرمازدگی و ...)، راه اندازی و توسعه فعالیتهای جدید مرتبط با کشاورزی، بیمه محصولات کشاورزی، برداشت به موقع و کاهش تلفات.

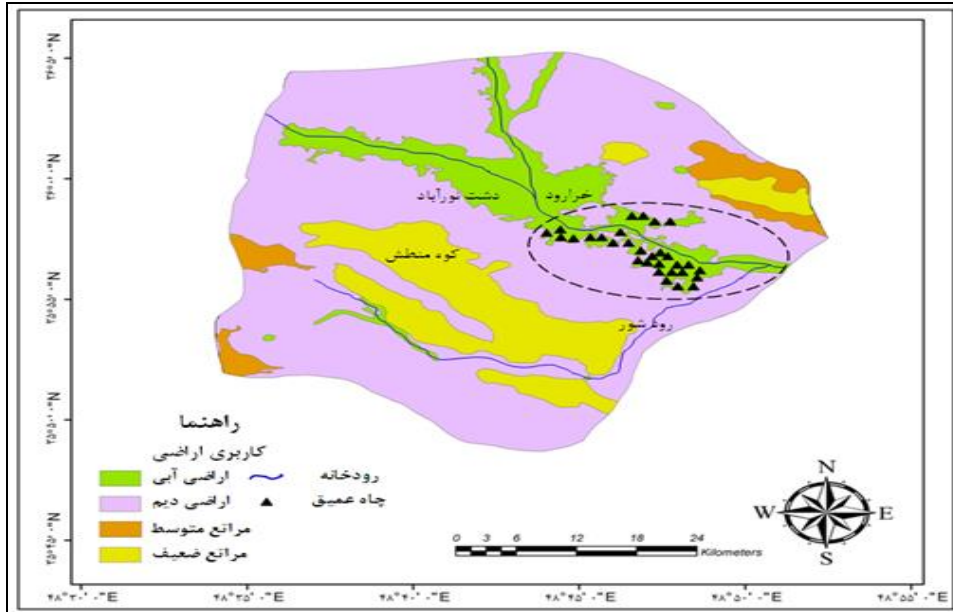
شناخت ناحیه مورد مطالعه:

منطقه مورد مطالعه، در دهستان خرابود از توابع شهرستان خدابنده در جنوب استان زنجان واقع شده است که با دهستان های حومه و کرسف و بزینهرود (از توابع شهرستان خدابنده) و دهستان خرقان غربی (استان قزوین) همجوار است (شکل شماره ۲).



شکل ۲- موقعیت جغرافیایی منطقه مورد مطالعه در استان زنجان

در راستای انجام تحقیق پروژه‌های یکپارچه‌سازی اراضی کشاورزی در قالب گروه‌های خودجوش محلی که در روستاهای واقع در محدوده خدماتی حوزه خدمات کشاورزی روستای نورآباد، به عنوان نمونه انتخاب شده است. (شکل شماره ۳).



شکل ۳- نقشه کاربری اراضی کشاورزی به همراه پراکنش فضایی پروژه‌های یکپارچه‌سازی اراضی کشاورزی

یافته‌های تحقیق:

در رابطه با تأثیر یکپارچه‌سازی توافقی اراضی کشاورزی در قالب گروه‌های خودجوش در بین کشاورزان؛ مؤلفه‌های تأثیرگذار در بهبود توسعه فعالیت‌های کارآفرینی در کشاورزی در ۸ دسته و در دو محور به شرح زیر بررسی و تحلیل شده است:

الف- بررسی تغییرات دیدگاه‌های بهره‌برداران دارای اراضی یکپارچه شده در دوره زمانی قبل و بعد از اجرای طرح؛

ب- بررسی دیدگاه‌های دو گروه برخوردار از اراضی یکپارچه‌شده و غیر برخوردار از آن.

الف- بررسی تغییرات دیدگاه‌های بهره‌برداران دارای اراضی یکپارچه در دوره قبل و بعد از اجرای طرح :

نتایج حاصل از جدول توافقی در بین بهره‌برداران دارای اراضی یکپارچه شده، بیانگر کاهش شدید تعداد قطعات متعلق به هر یک از کشاورزان در محدوده اجرای پروژه‌های یکپارچه‌سازی است. به عبارت دیگر، اجرای طرح یکپارچه‌سازی با روش توافق گروهی بین کشاورزان هم دانگ (که عمدتاً دارای رابطه نسبی نیز هستند) به کاهش تعداد قطعات متعلق به هر یک از کشاورزان مشمول طرح شده است. به طوری که، متوسط تعداد قطعات زمین برای هر کشاورز قبل از یکپارچه‌سازی در بیش از ۹۰ درصد از موارد بیش از ۶ مورد بوده است که با انجام یکپارچه‌سازی، متوسط تعداد قطعات متعلق به هر بهره‌بردار به کمتر از ۳ مورد کاهش یافته است (جدول شماره ۳).

جدول ۳- مقایسه تعداد قطعات اراضی کشاورزی آبی با استفاده از جدول توافقی

کل	تعداد قطعات زمین هر کشاورز قبل از یکپارچه‌سازی			تعداد قطعات زمین	
	بیشتر از ۹	۶-۸	کمتر از ۵		
۲۳	۱۰	۹	۴	۱	تعداد قطعات زمین هر کشاورز بعد از یکپارچه‌سازی
۳۸	۲۴	۱۲	۲	۲	
۱۴	۹	۴	۱	۳	
۱	۱	۰	۰	۴	
۷۶	۴۴	۲۵	۷	کل	

منبع: یافته‌های میدانی تحقیق، ۱۳۹۱.

مطابق داده‌های جدول شماره ۴ برای تحلیل نقش یکپارچه‌سازی اراضی کشاورزی خرد و پراکنده کشاورزان عضو گروه‌های خودجوش در بهبود فعالیت‌های کارآفرینی در کشاورزی در دو دوره قبل و بعد از اجرای یکپارچه‌سازی اراضی از آزمون ناپارامتری ویلکاکسون استفاده شده است.

جدول ۴- آزمون معناداری تفاوت دوره قبل و بعد از یکپارچه‌سازی اراضی در مؤلفه‌های کارآفرینی کشاورزی

سطح معناداری	آماره Z	انحراف معیار	میانگین	مؤلفه‌های کارآفرینی کشاورزی	
۰/۰۰۰	-۷/۵۹۱	۰/۳۵۹۷۴	۲/۵۸۹۹	قبل	اشتغالزایی در زمینه فعالیت‌های کشاورزی
		۰/۲۵۹۲۱	۴/۱۰۷۵	بعد	
۰/۰۰۰	-۷/۴۸۶	۰/۴۳۹۰۳	۲/۳۷۱۱	قبل	درآمدزایی و تنوع بخشی به منابع درآمدی کشاورزان
		۰/۳۰۳۸۹	۴/۱۷۸۹	بعد	
۰/۰۰۰	-۷/۵۹۳	۰/۱۸۰۶۵	۲/۶۳۸۹	قبل	بازاریابی و فروش محصول تولیدی
		۰/۱۷۵۰۰	۴/۳۱۱۴	بعد	
۰/۰۰۰	-۷/۵۶۹	۰/۱۸۸۴۰	۲/۸۰۹۹	قبل	بهره مندی از دانش و اطلاعات درباره انجام فعالیت‌های کشاورزی
		۰/۱۹۵۲۷	۴/۸۷۸۹	بعد	
۰/۰۰۰	-۷/۶۰۵	۰/۲۴۶۰۲	۳/۳۳۱۴	قبل	مکانیزاسیون و کاربرد روش‌های جدید در کشاورزی
		۰/۲۵۰۴۹	۴/۲۷۴۱	بعد	
۰/۰۰۰	-۷/۵۷۱	۰/۳۴۳۵۳	۳/۱۰۷۶	قبل	سرمایه‌گذاری در فعالیت‌های کشاورزی و دسترسی به اعتبارات
		۰/۲۹۲۷۱	۴/۲۹۹۷	بعد	
۰/۰۰۰	-۷/۵۷۵	۰/۲۴۰۸۶	۲/۵۰۵۰	قبل	تمایل به مدیریت اشتراکی منابع تولید (زمین و آب)
		۰/۱۷۱۲۴	۴/۲۴۵۲	بعد	
۰/۰۰۰	-۷/۳۷۵	۰/۱۷۷۸۶	۱/۲۷۰۸	قبل	میزان پذیرش خطرات و مقابله با آنها در فعالیت‌های کشاورزی
		۰/۳۲۵۸۵	۳/۴۷۳۳	بعد	

منبع: یافته‌های تحلیلی تحقیق، ۱۳۹۱.

همان‌طور که نتایج جدول ۴ نشان می‌دهد تفاوت کاملاً معناداری از دیدگاه کشاورزان پیشرو در دوره قبل و بعد از اجرای یکپارچه‌سازی مشارکتی اعضا وجود دارد که می‌تواند تأثیر زیادی در بهبود فضای کارآفرینی کشاورزی در منطقه مورد مطالعه به دنبال داشته باشد. میزان این تفاوت در همه مؤلفه‌های مورد بررسی در سطح ۹۹ درصد معنادار گزارش شده است. به عبارت دیگر، می‌توان اذعان نمود که تفاوت میانگین‌های متعلق به دوره قبل و بعد از اقدام به یکپارچه‌سازی اراضی از دیدگاه کشاورزان مشمول پروژه‌های اجرا شده در همه مؤلفه‌ها به وضوح قابل مشاهده است. به طوری که، بیشترین مقدار این تفاوت به مؤلفه دسترسی و بهره‌مندی از دانش و اطلاعات درباره انجام فعالیت‌های کشاورزی بویژه استفاده از مشاوره‌های فنی کارشناسان جهادکشاورزی و شرکت در دوره‌های آموزشی متعدد (۲/۰۰) و کمترین مقدار تفاوت نیز به مؤلفه مکانیزاسیون و کاربرد ماشین‌آلات و روش‌های جدید در انجام فعالیت‌های کشاورزی (۰/۹۰) اختصاص دارد.

ب- بررسی دیدگاه‌های دو گروه برخوردار از اراضی یکپارچه‌شده و غیر برخوردار از آن:

یافته‌های ناشی از اطلاعات توصیفی درباره تعداد قطعات اراضی کشاورزی آبی در پروژه‌های اجرا شده در بین دو گروه از بهره‌برداران (دارای اراضی یکپارچه و فاقد اراضی یکپارچه) در منطقه مورد مطالعه در جدول شماره ۵ ارائه شده است. اطلاعات جدول نشان می‌دهد که (۶۳/۳) درصد از پاسخگویان در پروژه‌های فاقد اراضی یکپارچه دارای تعداد قطعات بین (۷ تا ۸ مورد) بوده‌اند و میانگین تعداد قطعات متعلق به هر بهره‌بردار (۷/۶) مورد بوده است. در پروژه‌های دارای اراضی یکپارچه (بیش از ۸۰ درصد) از پاسخگویان دارای تعداد قطعات بین ۱ تا ۲ مورد بوده‌اند و میانگین تعداد قطعات نیز (۱/۹) می‌باشد. به عبارت دیگر، این امر بیانگر نقش فعالیت‌های یکپارچه‌سازی توافقی ارشی بین بهره‌برداران در کاهش پراکندگی و افزایش وسعت قطعات می‌باشد که زمینه را برای سرمایه‌گذاری و افزایش تولید در واحدهای بهره‌برداری می‌تواند مهیا سازد.

جدول ۵- تعداد قطعات اراضی متعلق به هر یک از بهره برداران در دو گروه مورد بررسی

میانگین تعداد قطعات	درصد	فراوانی	تعداد قطعات زمین هر کشاورز	نوع اراضی
۷/۶۲	۲۱/۶۷	۱۳	۴ تا ۶	اراضی غیر یکپارچه شده
	۶۳/۳	۳۸	۷ تا ۸	
	۱۵/۰	۹	۹ تا ۱۱	
	۱۰۰	۶۰	کل	
۱/۹۱	۸۰/۳	۶۱	۱ تا ۲	اراضی یکپارچه شده
	۱۹/۷	۱۵	۳ تا ۴	
	۱۰۰	۷۶	کل	

منبع: یافته‌های تحلیلی تحقیق، ۱۳۹۱.

برای بررسی نقش یکپارچه‌سازی توافقی صورت گرفته توسط کشاورزان در اراضی پراکنده آنها و به تبع آن مجتمع شدن آنها در یک یا چند نقطه معین در بهبود بخشیدن به فضای کارآفرینی کشاورزی با توجه به مؤلفه‌های مطرح شده در تحقیق در منطقه مورد مطالعه از آزمون t دو نمونه‌ای بهره گرفته شده است. سعی بر این است تا تغییرات صورت گرفته در مؤلفه‌های کارآفرینی کشاورزی در بین دو گروه برخوردار از اراضی یکپارچه‌شده و غیر برخوردار از آن، از دیدگاه کشاورزان نمونه مورد تحلیل قرار گیرد. به طوری که، برای بررسی برابری واریانس‌های دو گروه مورد مطالعه، مقدار معناداری آزمون لونز اهمیت به سزایی دارد. به عبارتی اگر این مقدار در آزمون لونز کمتر از ۰.۰۵ باشد واریانس‌های دو جامعه برابر نیستند. با توجه به این که، مقدار واریانس نشان دهنده پراکندگی داده‌ها از میانگین می‌باشد، اهمیت بالایی در تحلیل آماری می‌تواند داشته باشد. (جدول شماره ۶).

جدول ۶- آزمون تفاوت واریانس مؤلفه های کارآفرینی در بین دو نمونه با اراضی یکپارچه شده و غیر یکپارچه

آزمون t برای برابری میانگین ها				آزمون برابری واریانس لوزن		مؤلفه ها			
فاصله اطمینان ۹۵ درصد		انحراف میانگین	تفاوت میانگین	میانگین	آماره آزمون t	معیار	F	قابل قبول	غیر قابل قبول
پایین تر	بالا تر								
۱/۴۷۴۰۲	۱/۲۵۶۷۶	۰/۰۵۴۸۵	۱/۳۶۵۳۹	۰/۰۰۰	۲۴/۸۹۵	۰/۰۳۱	۴/۷۵۲	قابل قبول	ایجاد اشتغال در کشاورزی
۱/۴۸۲۳۷	۱/۲۴۸۴۲	۰/۰۵۸۶۵		۰/۰۰۰	۱۳۵			۲۳/۲۸۲	
۱/۸۲۴۷۸	۱/۵۵۲۱۶	۰/۰۶۸۸۸۲	۱/۶۸۸۴۷	۰/۰۰۰	۲۴/۵۳۴	۰/۰۰۰	۱۹/۷۱۲	قابل قبول	درآمدزایی و تنوع بخشی به آن
۱/۸۴۰۹۷	۱/۵۳۵۹۷	۰/۰۷۶۳۱		۰/۰۰۰	۱۳۵			۲۲/۱۲۵	
۱/۷۱۳۷۱	۱/۵۸۱۰۶	۰/۰۳۳۴۹	۱/۶۴۷۳۸	۰/۰۰۰	۴۹/۱۹۵	۰/۹۵۲	۰/۰۰۴	قابل قبول	بازاریابی و نحوه فروش محصول
۱/۷۱۳۶۹	۱/۵۸۱۰۷	۰/۰۳۳۳۵		۰/۰۰۰	۱۳۵			۴۹/۳۹۰	
۱/۱۲۵۰۳	۰/۹۷۶۷۸	۰/۰۳۷۴۳	۱/۰۵۰۹۱	۰/۰۰۰	۲۸/۰۷۹	۰/۹۹۱	۰/۰۰۰	قابل قبول	بهره مندی از دانش کشاورزی
۱/۱۲۵۱۲	۰/۹۷۶۶۹	۰/۰۳۷۳۳		۰/۰۰۰	۱۳۵			۲۸/۱۵۱	
۱/۰۴۹۲۴	۰/۸۵۶۳۴	۰/۰۴۸۷۰	۰/۹۵۲۷۹	۰/۰۰۰	۱۹/۵۶۶	۰/۸۷۶	۰/۰۲۴	قابل قبول	مکانیزاسیون و روش های جدید
۱/۰۵۰۵۲	۰/۸۵۵۰۶	۰/۰۴۹۱۳		۰/۰۰۰	۱۳۵			۱۹/۳۹۲	
۱/۳۴۶۹۸	۰/۹۹۸۴۵	۰/۰۶۲۷۴	۱/۱۲۲۷۹	۰/۰۰۰	۱۷/۸۹۵	۰/۰۴۲	۴/۲۳۹	قابل قبول	سرمایه گذاری و اعتبارات
۱/۲۵۷۵۹	۰/۹۸۷۸۵	۰/۰۶۷۵۹		۰/۰۰۰	۱۳۵			۱۶/۶۱۰	
۱/۸۱۰۲۳	۱/۶۴۹۹۷	۰/۰۴۰۴۶	۱/۷۳۰۱۰	۰/۰۰۰	۴۲/۷۶۴	۰/۰۰۰	۱۴/۷۷۷	قابل قبول	مدیریت منابع تولید
۱/۸۲۱۵۷	۱/۶۳۸۶۲	۰/۰۴۵۷۳		۰/۰۰۰	۱۳۵			۳۷/۸۳۲	
۲/۲۷۶۳۰	۲/۰۶۵۳۳	۰/۰۵۳۲۶	۲/۱۷۰۸۲	۰/۰۰۰	۴۰/۷۶۰	۰/۰۰۰	۱۶/۹۹۸	قابل قبول	ریسک پذیری در فعالیت ها
۲/۲۵۸۱۱	۲/۰۸۳۵۳	۰/۰۴۴۰۶		۰/۰۰۰	۱۳۵			۴۹/۲۶۷	

منبع: یافته های تحلیلی تحقیق، ۱۳۹۱.

همان طور که نتایج جدول ۶ نیز نشان می دهد، از بین مؤلفه های مورد بررسی در این مطالعه شاخص های مؤثر در بهبود کارآفرینی از طریق یکپارچه سازی اراضی بهره برداران خرد از قبیل ایجاد اشتغال در فعالیت های مرتبط با کشاورزی، سرمایه گذاری در واحدهای تولید و اراضی کشاورزی و دسترسی به اعتبارات و درآمدزایی و تنوع بخشی به منابع درآمدی کشاورزان، مدیریت منابع تولید به صورت گروهی و افزایش قدرت پذیرش ریسک در بین کشاورزان خرده پا، واریانس های دو جامعه در بین دو گروه مورد مطالعه هم برابر نیستند. به عبارت دیگر، اقدامات مرتبط با یکپارچه سازی اراضی در منطقه مورد مطالعه در مواردی از قبیل بازاریابی و نحوه فروش محصول، بهره مندی از دانش کشاورزی و مکانیزاسیون و استفاده از روش های جدید در مزارع بدلیل تفاوت کمتر در بین دو گروه تأثیر کمتری در بهبود کارآفرینی کشاورزی در منطقه مورد مطالعه از دیدگاه جامعه نمونه داشته است. از یک طرف، بررسی سطح معناداری دوگانه در بین دو گروه دارای اراضی کشاورزی یکپارچه شده و غیر یکپارچه شده نیز مبین تفاوت معناداری در سطح ۹۹ درصد می باشد. از طرفی دیگر، تفاوت میانگین ها و نیز فاصله

اطمینان در سطح ۹۵ درصد نیز در بین دو گروه مبین مثبت بودن جهت تفاوت‌ها است که می‌تواند اثربخشی فعالیت‌های یکپارچه‌سازی اراضی پراکنده کشاورزان در یک یا چند نقطه معین را در بهبود کلیه شاخص‌های مورد نظر تحقیق نشان دهد. علاوه بر این، بیشترین تفاوت میانگین در بین مؤلفه‌ها کارآفرینی از دیدگاه پاسخگویان به ترتیب به مؤلفه‌های پذیرش خطرات در فعالیت‌ها و توانایی مقابله با شرایط ناگوار اقلیمی - اقتصادی، و بهبود مدیریت منابع تولید در بین کشاورزان و کمترین میزان تفاوت میانگین نیز به مکانیزاسیون و کاربرد روش‌های جدید تولید کشاورزی اختصاص دارد. از طرفی دیگر، بررسی میانگین سنی پاسخگویان و تأثیر آن در تمایل به یکپارچه‌سازی اراضی کشاورزی در این تحقیق نشان می‌دهد که میانگین سنی پاسخگویان گروه اول بین ۲۵ تا ۳۰ سال و میانگین سنی پاسخگویان گروه دوم عمدتاً بین ۳۵ تا ۴۰ سال بوده است.

نتیجه‌گیری:

نتایج مطالعات صورت گرفته در مناطق مختلف دنیا و ایران نشان می‌دهد که تقطیع و پراکندگی قطعات اراضی متعلق به هر یک از کشاورزان، به عنوان یکی از مهم‌ترین چالش‌های ساختاری بهره‌برداری‌های سنتی و از مهم‌ترین موانع توسعه کارآفرینی کشاورزی مطرح است. از این‌رو، مدیریت بهتر اراضی کشاورزی از طریق اتخاذ سیاست‌های یکپارچه‌سازی و رایبه مشوق‌های اعتباری - مالی به کشاورزان و روستائیان می‌تواند زمینه شناخت درست از فرصت‌ها و بهره‌گیری از سرمایه‌های راکد (بویژه آب، زمین و سرمایه‌های کوچک)، بهره‌گیری از نیرو و انگیزه افراد در جهت خلق و اجرای ایده‌های نو به تقویت پایه‌های اقتصاد محلی و ایجاد فرصت‌های شغلی و درآمدی در مناطق روستایی منجر شود. بنابراین در مطالعه حاضر سعی شده است تا نتایج حاصله در دو محور کلی به شرح زیر ارائه شود:

الف: بررسی تغییرات صورت گرفته در بین کشاورزان با اراضی یکپارچه شده

- نتایج تحلیل دیدگاه‌های کشاورزان در خصوص نقش یکپارچه‌سازی اراضی کشاورزی خرد و پراکنده خود در قالب گروه‌های خودجوش در بهبود کارآفرینی در فعالیت‌های کشاورزی، با استفاده از روش تحلیل قبل و بعد نشان می‌دهد که اثربخشی فعالیت‌های گروهی اعضا و تبدیل اراضی دیم به اراضی آبی و تأثیر آن در افزایش عملکرد در واحد سطح و به تبع آن بالارفتن میزان درآمد شده و همین عامل توانسته است در تغییرات زیادی را در سایر مؤلفه‌های مورد نظر تحقیق ایجاد کند. بنابراین، می‌توان اذعان نمود که عمدتاً این تغییرات توانسته است زمینه را برای شکل‌گیری و توسعه کارآفرینی در زمینه کشاورزی مهیا سازد. از طرفی دیگر، بررسی معناداری تفاوت میانگین رتبه‌ای مؤلفه‌های تحقیق مبین وجود تفاوت‌های بسیار زیادی از دیدگاه کشاورزان مشمول طرح در دوره قبل و بعد از یکپارچه‌سازی توافقی اراضی در منطقه مورد مطالعه است که کاهش میزان ضریب کای‌دو از ۴۱۵/۳۳۸ دوره قبل به ۲۷۹/۸۱۲ در دوره بعد بیانگر کاهش میزان تفاوت در میانگین رتبه‌ای بین مؤلفه‌ها می‌باشد. به عبارت دیگر تفاوت معناداری در دو دوره زمانی مذکور در سطح ۰/۰۰۱ در میانگین رتبه‌ای قابل مشاهده است.

ب: مقایسه دیدگاه‌های کشاورزان دارای اراضی یکپارچه شده و فاقد اراضی یکپارچه

- مقایسه دیدگاه دو گروه برخوردار از اراضی یکپارچه‌شده و غیر برخوردار از آن برای بررسی تغییرات صورت گرفته در مؤلفه‌های مورد بررسی در خصوص کارآفرینی کشاورزی با بهره‌گیری از آزمون t دو نمونه‌ای نشان می‌دهد که واریانس‌های دو گروه مذکور با توجه به مقدار معناداری آزمون لونز برابر نبوده و بیانگر پراکندگی مناسب داده‌ها از میانگین می‌باشد. به طوری که، از بین مؤلفه‌های مورد بررسی در این مطالعه شاخص‌های بازاریابی و نحوه فروش محصول، بهره‌مندی از دانش کشاورزی و مکانیزاسیون و استفاده از روش‌های جدید در مزارع با توجه به تفاوت کمتر موجود در بین دو گروه تأثیر کمتری در بهبود زمینه‌های کارآفرینی کشاورزی در منطقه مورد مطالعه از دیدگاه جامعه نمونه داشته است. به طوری که، از دیدگاه بیشتر بهره‌برداران نمونه تحقیق، دلایل این نارسایی‌ها را می‌توان با ضعف برنامه‌ریزی سازمان‌های دولتی و عدم حمایت فکری و تامین زیرساخت‌های ضروری و نیز عدم توانایی تعاونی‌های محلی در اطلاع‌رسانی درباره وضعیت بازار و قیمت‌گذاری محصولات توسط واسطه‌ها مرتبط دانست.

- از طرفی دیگر، با توجه به تفاوت موجود در میانگین مؤلفه‌های در بین دو گروه می‌توان نتیجه گرفت که یکپارچه‌سازی توافقی اراضی بهره‌برداران خرد در مواردی از قبیل ایجاد اشتغال در فعالیت‌های مرتبط با کشاورزی، درآمدزایی و تنوع بخشی به آن، سرمایه‌گذاری در کشاورزی و دسترسی به اعتبارات مورد نیاز، مدیریت منابع تولید کشاورزی، افزایش تحمل ناملایمات و پذیرش ریسک در فعالیت‌های کشاورزی با توجه به تفاوت واریانس‌های دو جامعه توانسته است نقش مؤثری در بهبود کارآفرینی از دیدگاه پاسخگویان ایفا کند. از دیدگاه پاسخگویان نمونه می‌توان به تشریح مساعی بهره‌برداران کوچک در مالکیت اشتراکی منابع تولید، تجمیع سرمایه‌های اندک اعضا، تبدیل اراضی دیم به آبی و به تبع آن افزایش توان مالی برای سرمایه‌گذاری در فعالیت‌هایی نظیر نگهداری دام، زنبورداری و ... به عنوان عوامل تأثیرگذار در این زمینه اشاره نمود.

- از یک طرف، بررسی سطح معناداری دوگانه در بین دو گروه نشان از تفاوت معناداری در سطح ۹۹ درصد دارد و تفاوت میانگین‌ها و نیز فاصله اطمینان مبین مثبت بودن جهت تفاوت‌ها است که می‌تواند اثربخشی فعالیت‌های یکپارچه‌سازی اراضی در بهبود کارآفرینی از دیدگاه پاسخگویان را تبیین کند.

بنابراین، می‌توان گفت که توافق کشاورزان در تجمیع اراضی پراکنده و مشارکت آنان در مالکیت و سرمایه‌گذاری مشترک در تأمین آب از طریق حفر چاه‌های عمیق و اجرای سیستم‌های آبیاری تحت فشار با حمایت سازمان‌های دولتی با توجه به در نظر گرفتن نفع شخصی اعضا توانسته است به عنوان پاسخی مناسب برای بهره‌گیری از فرصت راکد از طریق سازماندهی منابع و مدیریت بهینه آنها مطرح شود که ضمن بهبود شرایط اقتصادی بویژه ایجاد شغل و درآمد زمینه را برای بهره‌وری عوامل تولید و افزایش عملکرد آن کمک شایانی در منطقه مورد مطالعه کرده است.

منابع و مأخذ:

۱. توسلی، محمدرضا (۱۳۷۸): «بررسی تأثیر عملیات نوین، تجهیز و نوسازی و یکپارچه‌سازی اراضی در شالیزارهای سنتی استان مازندران بر عملکرد تولید برنج»، پایان‌نامه فوق لیسانس مرکز آموزش مدیریت دولتی، منطقه شمال، دانشکده علوم کشاورزی و منابع طبیعی ساری.
۲. جهادکشاورزی شهرستان خدابنده (۱۳۹۲): «واحد آمار بهره‌برداری‌های زراعی»، خدابنده.
۳. رضوانی، محمدرضا (۱۳۹۰): برنامه‌ریزی توسعه روستایی در ایران، نشر قومس، چاپ چهارم، تهران.
۴. رکن‌الدین افتخاری، عبدالرضا، طاهرخانی، مهدی و حمداله سجاسی قیداری (۱۳۸۸): «تحلیل ابعاد و عوامل مؤثر بر توسعه کارآفرینی کشاورزی مناطق روستایی». مطالعه موردی: شهرستان خدابنده»، فصلنامه روستا و توسعه، شماره ۳، تهران، صص ۷۲-۴۳.
۵. رکن‌الدین افتخاری، عبدالرضا، سجاسی قیداری، حمداله و سیدحسن رضوی (پاییز ۱۳۸۹): «راهبردهای توسعه کارآفرینی کشاورزی در مناطق روستایی: مطالعه موردی روستاهای شهرستان خدابنده»، فصلنامه روستا و توسعه، شماره ۵۱، تهران، صص ۲۹-۱.
۶. سجاسی قیداری، حمداله (۱۳۸۶): «مطالعه و تحلیل عوامل مؤثر در توسعه کارآفرینی کشاورزی مناطق روستایی مطالعه موردی: روستاهای شهرستان خدابنده»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران.
۷. سعیدی‌کیا، مهدی (۱۳۸۲): اصول و مبانی کارآفرینی، نشر کیا، چاپ اول، تهران.
۸. سپه‌پناه، مرجان (۱۳۹۱): «کارکردهای مدیریت روستایی در کارآفرینی شدن کشاورزی و روستاییان»، کنفرانس ملی کارآفرینی و مدیریت کسب و کارهای دانش بنیان، دانشگاه مازندران، ۲۳ آبان، ساری، صص ۸-۱.
۹. سهرابی‌وفا، سمیرا (۱۳۹۲): «نقش کارآفرینی در توسعه روستایی با تأکید بر یکپارچه‌سازی اراضی کشاورزی، مطالعه موردی: دهستان خرابود- شهرستان خدابنده»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشگاه زنجان.

۱۰. عینالی، جمشید، فراهانی، حسین و سمیرا سهرابی‌وفا (۱۳۹۲): «ارزیابی نقش یکپارچه‌سازی اراضی کشاورزی در بهبود تولید در بهره‌برداری‌های آبی: دهستان خرارود، شهرستان خدابنده»، فصلنامه اقتصاد فضا و توسعه روستایی، سال دوم، شماره ۱، تهران، صص ۷۰-۵۱.
۱۱. کاظمی‌راد، زهرا و عبدالحمید پاپزن (۱۳۹۰): «پیش‌بینی میزان موفقیت کارآفرینان روستایی شهرستان کرمانشاه با استفاده از تحلیل شبکه عصبی مصنوعی (ANN)»، فصلنامه برنامه‌ریزی منطقه‌ای، سال اول، شماره ۱، مرودشت، صص ۲۵-۱۷.
۱۲. کلانتری، خلیل، حسینی، سید محمود و غلامحسین عبدالله‌زاده (۱۳۸۴): «ساماندهی و یکپارچه‌سازی اراضی کشاورزی با استفاده از تجارب کشورهای اروپای شرقی»، فصلنامه روستا و توسعه، شماره ۴، تهران، صص ۱۳۰-۶۷.
۱۳. نجارزاده، محمد و محمدرضا رضوانی (۱۳۸۷): «بررسی و تحلیل دانش زمینه‌ای روستائیان در کارآفرینی در فرآیند توسعه نواحی روستایی. مطالعه موردی: دهستان برآن جنوبی شهرستان اصفهان»، نشریه توسعه کارآفرینی، جلد ۱، شماره ۲، تهران، صص ۱۸۲-۱۶۱.

14. Azimi, H. (2013): *Role of Bank Credits in Development of Agriculture Sector*, *Life Science Journal* 2013, Vol.10, No 1, pp: 1386-1391.
15. Chowdhury, M.S. (2007): *Overcoming Entrepreneurship Development Constraints: the Case of Bangladesh*, *Journal of Enterprising Communities: People and Places in the Global Economy*, Vol. 1, No 3, pp: 240-251.
16. Costa, R. and B. Rijkers, (2011): *Gender and Rural Non-Farm Entrepreneurship*, *World Development Report 2012, Gender Equality and Development, Background Paper*.
[Online]: <https://openknowledge.worldbank.org/bitstream/handle/10986/9112/WDR2012-0030.pdf?sequence=1>
17. De Los Ríos, I. and J.M. Díaz, (2011): *The Social Reform at Land Consolidation Projects- Working with People: Planning Experiences in Latin America and Europe*. Case Study No: 1, Spain, Madrid, pp: 28-37.
18. FAO (2008), *Opportunities to mainstream land consolidation in rural development*, *Fao Land Tenure Policy Series, programmes of the European Union and Food and Agriculture Organization of the United Nations*, Rome. Internet: <ftp://ftp.fao.org/docrep/fao/011/i0091e/i0091e00.pdf>
19. Kuratko, D.F. and R.M. Hodgetts, (2004): *Entrepreneurship: Theory, Process, Practice*, South-Western Publishers, Mason, OH.
20. Gayo, J. R. (2011): *Manpower Development for Agriculture Entrepreneurs*, *Technical Education and Skills Development Authority, Philippine Daily Inquirer, MAPping the Future*, May 16 and 22, 2011. www.tesda.gov.ph
21. Gürol, Y. and N. Atsan, (2008): *Entrepreneurial Characteristics among University Students and Training in Turkey*, *Education and training*, Vol. 48, Issue. 1, pp: 25-38.
22. Huang, Q., Li, M. and Z. Chen, (2010): *Land Consolidation: An Approach for Sustainable Development in Rural China*, *AMBIO*, No, 40, pp: 93-95.
23. Islam, K. (2009): *Rural Entrepreneurship for Women: A Case for Wealth Creation by Africa's Rural Poor amidst Global Financial and Crises*, *African Economic Conference, 11- 13 November, United Nations Conference Centre, Addis Ababa, Ethiopia*.
24. Lemmen, C., Louisa, J.M. and F. Rosman, (2012): *Informational and Computational Approaches to Land Consolidation*, *FIG Working Week, Knowing to manage the territory, protect the environment, evaluate the heritage*, Rome, Italy, 6-10 May 2012.

25. Matondi, P.B. (2013): *Scope for Empowering Women through Entrepreneurial Development in the Fresh Fruit and Vegetable (FFV) Sector in Zimbabwe, Investment Climate and Business Environment Research Fund (ICBE-RF), Dakar, January 2013.* www.trustafrica.org/icbe
26. Mohapatra, S., Rozelle, S. and Goodhue, R. (2007): *The Rise of Self-employment in Rural China: Development or Distress, World Development, Vol 35, No 1, pp: 163-181.*
27. Makhbul, Z.(2011): *Entrepreneurial Success: An Exploratory Study among Entrepreneurs, International Journal of Business and Management, Vol. 6, No. 1, pp: 116-125.*
28. Nandanwar, K.P. (2011): *Role of Rural Entrepreneurship in Rural Development, Research Paper, International Referred Research Journal, Vol II, Issue26, pp: 8-17.*
29. Poza, E. and M. Daugherty, (2013): *Family Business, 4th edition, South-Western/Cengage, 2013, Mason, Ohio.*
30. Sallaku, F., Jojiç, E., Tota, O., Huqi, B. and S. Fortuzi, (2010): *The Role of Land Consolidation Activities in the Sustainable Rural Development in Albania, Research Journal of Agricultural Science, Vol. 42, No, 3, pp: 829- 842.*
31. Saxena, S. (2012): *Problems Faced By Rural Entrepreneurs and Remedies to Solve It, IOSR Journal of Business and Management (IOSRJBM), Vol. 3, Issue 1, pp: 23-29.*
32. Sherief, S. R. (2005): *Entrepreneurship as an economic force in rural development, Africa Economic Analysis. www.AfricaEconomicAnalysis.org*
33. Stockdale, A. (2006): *Migration: Pre- Requisite for Rural Economic Regeneration?, Journal of Rural Studies, Vol. 22, No. 3, pp: 354-366.*
34. Tariq Khan, M., Ahmed, S. and M. Ali, (2012): *Entrepreneurship Development: One of the Ways of Rural Development through Rural Human Resource Development, International Journal of Business and Behavioral Sciences, Vol. 2, No.8, pp: 14-23.*
35. Xiang, W. and G. He, (2012): *The relationship of land consolidation and new rural construction, Interdisciplinary Journal of Contemporary Research in Business, Vol. 4, No 4, pp: 16-23.*